

شهيد خدر اميرى



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهيد استان بوشهر

| | |
|--------------|-------------|
| غلامحسین | نام پدر |
| ۱۳۴۲/۰۱/۰۱ | تاریخ تولد |
| بوشهر - دشتی | محل تولد |
| ۱۳۶۱/۰۴/۲۷ | تاریخ شهادت |
| سلمچه | محل شهادت |
| رزمنده | مسئولیت |
| بسیج | نوع عضویت |
| دانش آموز | شغل |
| سوم راهنمایی | تحصیلات |
| خورموج | مدفن |

زندگینامه

زندگینامه شهید

شهید خدر امیری فرزند غلامحسین در سال ۱۳۴۲ در خانواده‌ای کاملاً مذهبی پا به عرصه وجود گذاشت. شهید خدر امیری، دوره‌های دبستان و راهنمایی را در آموزشگاه ادب خورموج طی کرد. در سالهای کودکی، دو حادثه مهم در زندگی این عزیز رخ داد که در هر دو مورد، شهید جان سالم بدر برد و این دو حادثه نشان داد که خداوند، مرگ خدر در راهی با عظمت‌تر و با شکوه‌تر باشد. یکبار از پشت بام، به زیر افتاد ولی آسیبی ندید. بار دوم در بین چرخهای ماشینی گیر کرد و ماشین به سرعت عبور کرد، اما با کمال تعجب این بار نیز شهید خدر جان سالم در برد و مشخص شد که اتمام زندگی خدر باید جای دیگر رقم بخورد و افتخار شهادت نصیب او گردد.

شهادت :

در آغاز جنگ تحمیلی در سن نوزده سالگی جهت ثبت نام به بسیج رفت ولی مسئولین بسیج موافقت نکردند، زیرا در آن روزها کمبود نیرو احساس نمی‌شد، تا اینکه با گریه و زاری شهید خدر و التماس‌های مکرر او موافقت می‌شود. و شهید جهت گذراندن دوره آموزشی به کازرون می‌رود. پس از اتمام دوره آموزشی روز ۲۹ خرداد ۶۱ باتفاق پسر خاله‌اش و دیگر رزمندگان، عازم جبهه اهواز شد، و در تپ المهدی مستقر می‌شود. در حمله رمضان با سمت خط شکن شرکت می‌کند و در همان حمله و عملیات زخمی می‌شود که پس از مختصر مداوادی در عملیات شبهای بعد در تاریخ ۲۷/۴/۶۱ مطابق ۲۸ ماه مبارک رمضان به فیض شهادت نایل می‌شود.

وصیت نامه

بسم رب الشهداء و الصدیقین

وصیتنامه شهید خدر امیری

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بِنِيبَانٍ مَرْضُوعٌ

خداوند دوست دارد جنگاورانی که در راه او صف بسته و چون دژ نفوذ ناپذیری در راه او نبرد می کنند.

اینجانب خدر امیری فرزند غلامحسین دارای شماره شناسنامه ۴۰ متولد ۱۳۴۲، وصیتنامه خود را شروع می کنم.

خدمت پدر و مادر گرامی! در شهادت من ابداً گریه نکنید! که چون من امانتی از خداوند در نزد شما بودم و هر وقت خواست امانتشی را پس می گیرد. ما باید راه این شهیدان را ادامه دهیم و نگذاریم که خون پاک شهیدانمان به هدر رود.

از پدر و مادرم می خواهم که همیشه گوش به فرمان امام خمینی باشند. و امام عزیزمان را تنها نگذارند و همچنین از شما می خواهم با این گروهکهای منافق و ام الفساد، تا آنجا که در توان دارید مبارزه کنید و ریشه آنها را از سرزمین قطع کنید. و همچنین می خواهم که نماز را به موقع بجا آورید. از خواهرم می خواهم که کاملاً حجاب را رعایت کند، زیرا حجاب تو بیشتر از خون من بر دشمن اثر دارد.

در ضمن اگر خداوند از این بنده حقیر راضی شد و به شهادت رسیدم مرا در قبرستان خورموج در جوار دیگر برادران به خاک بسپارید.

«وَالسَّلَامُ»

خدر امیری

مصاحبه

در محضر پدر و مادر شهید (در مصاحبه با ایشان)

(مادر شهید) اخلاق فرزندان در خانه چگونه بود؟

فرزندم دارای روحی لطیف و اخلاقی حسنه بود، خوش بر خورد و سر به زیر، متدین و اهل جماعت و مسجد بود. واحترام ویژه‌ای بمن داشت.

۲- (مادر شهید) خاطره او در موقع رفتن به جبهه؟

بسیار شوق و ذوق جبهه داشت. او را بوسیدم و دعا کردم و به خدا سپردم، مثل کبوتری بود که از قفس بسوی آسمان پر می‌گشاید.

۳- لحظه با خبر شدن از شهادت فرزندان، عکس العمل شما چه بود؟

(مادر شهید): داغ فرزند دل مادر را آتش می‌زند. اما گفتم خدا! امانتی بود که عنایت کرده بودی و حالا امانتت را پس گرفتی.

(پدر شهید): با اینکه فرزندی عزیز و مهربان را از دست دادیم و بخصوص بنده که در مقابل مادر دلسوخته‌اش باید صبر و تحمل بیشتری می‌نمودم، خدا را شکر کردم که بما لیاقت داد تا در سلک خانواده شهدا □ در آییم.

۴- (مادر شهید) شما به عنوان مادر شهید چه پیامی به جوانان دارید؟

به عنوان مادر شهید و با توجه به سفارشهای شهید من هم می‌گویم: ای نورچشمان عزیزم! در این موقع حساس سعی کنید هر کسی به عنوان دوست و رفیق خود انتخاب نکنید، دین و اخلاق شهید در سر لوحه انتخاب قرار گیرد. بخصوص دخترانم که مسئله برای آنها حساس‌تر است، حفظ حجاب و انتخاب دوست عاقل و متدین در زندگی و سعادت آنها خیلی تأثیر دارد. نماز اول وقت را فراموش نکنند.

(پدر شهید): به جوانان عزیزم چند توصیه پدرانه دارم. در دینداری و کسب علم و معرفت کوشا باشند. دین بدون معرفت، و معرفت بدون دین ارزشی ندارد. در هر حال تلاش و کار و کوشش را فراموش نکنند. من که پدر شهید هستم و ۷۵ سال از سنم می‌گذرد، در کنار مادر شهید و با همکاری ایشان هنوز هم برای امرار معاش و روزی حلال در زندگی کار و فعالیت می‌کنیم، در هر حال و در تمام لحظات و مشکلات، نماز اول وقت، بخصوص جماعت و نماز جمعه در برنامه زندگی خود قرار دهند. بنده که عضوی پیر و مسن و مریض از نظر پا می‌باشم به خاطر حرمت به اصول و مبانی اسلام و احترام به خون شهید یک شب از نماز جماعت مسجد غافل نیستم و هر هفته در نماز جمعه شرکت می‌نمایم، جوانان که جای خود دارند.

مصاحبه با برادر شهید: (محمد رضا امیری)

۱- خودتان را معرفی کنید و ارتباطتان را با شهید بیان کنید.

محمد رضا امیری هستم، برادر شهید خدر امیری، عضو پایگاه شهید عاشوری خورموج □ به عنوان برادر بزرگتر، ارتباط نزدیکی با شهید داشتم و در پاره‌ای موارد راهنمایی می‌کردم. در اکثر مواقع جهت نماز در مسجد جامع به اتفاق هم می‌رفتیم. شهدای هم‌رزم او، شهید محمد طاهر احمدی - شهید عبدالله بلوکی □ شهید حیدری‌پور و شهید محمد قاسمی بودند.

۲- در مورد ارتباط شهید با قرآن:

به مکتب رفته بود و معلم قرآن ایشان، شیخ عبدالنبی بوده، گاهی قرآن را با صوت می‌خواند و در کلاسهای که به همین منظور در مسجد تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد.

۳- جریان شهادت شهید و حضور او در جبهه.

برادرم پس از گذراندن دوره آموزشی در کازرون به جبهه اهواز رفت، دو ماه در جبهه بود سپس در عملیات رمضان شرکت کرد و در تاریخ خرداد ۶۱ به فیض شهادت نایل شد. او یک تک تیرانداز بود.

۴- شهید قبل از شهادت و رفتن به جبهه به چه کاری مشغول بود؟

شهید در برق کشی و لوله کشی مهارت داشت و در این دو مورد فعالیت کاری داشت.

۵- قبل از شهادت شهید خدر خواب مهمی در باره او دید؟

چند شب قبل از شهادتش دیدم خدا حافظی می‌کند. با خانواده بدرقه‌اش می‌رفتیم، دیدیم شهید با اتفاق سید بزرگوار و نورانی حرکت کردند و رفتند.

مصاحبه با خواهر شهید: (معصومه امیری)

۱- ضمن معرفی خود، ارتباط خود را با شهید توضیح دهید.

معصومه امیری خواهر کوچکتر شهید خدر امیری هستم، در تمام کارهای خانه با محبت و خوشروئی به من کمک می‌کرد. شهید شش سال از من بزرگتر بود. در موقع شهادتش ۱۲ سال داشتم.

۲- چه سفارشی به شما به عنوان خواهر داشت؟

در تمام لحظاتی که با من بود، توصیه و سفارش می‌کرد خواهرم تو بقیه خواهران، حجاب خود را رعایت کنید، که حفظ حجاب مثل تیری در چشم دشمنان اسلام و انقلاب خواهد بود.

۳- چگونگی فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی را بیان کنید.

در تمام مراسم مذهبی، بخصوص در ماه‌های محرم و صفر در مسجد جامع شرکت می‌کرد. در سال ۵۷ با شور و اشتیاق فراوان در راهپیمائی و هیئت‌های انقلابی حضور می‌یافت.

۴- به نظر شما به عنوان خواهر شهید چگونه می‌توان را شهیدان را ادامه داد؟

هر خانواده شهیدی پس از شهادت عزیزشان رسالت عظیمی پیدا می‌کنند. بخصوص خواهران شهید، با حفظ حجاب می‌توانند پیام خون شهید را تبلیغ کنند. و با عمل خود برای دیگران الگو باشند.

خاطرات

ادب □ متانت □ خوشروئی و دستگیری فقیران و نیازمندان بهر شکل از مهمترین ویژگی‌های تمام طول ۱۹ ساله زندگی او بود.

از دیگر ویژگی‌های شهید صله رحم و آمد و رفت مکرر و مستمر به خانه اقوام بود که شهید آن را هر روز واجب می‌شمرد. همیشه در خدمتگزاری به مسجد و مراسم عزاداری پیشگام بود.

حس احترام به بزرگترها و حق‌داران، بخصوص پدر و مادر و معلمین از مهمترین خصوصیات اخلاقی شهید بود. سر آغاز انقلاب، سر آغاز دوره جوانی او بود— در تمام راهپیمائی‌ها شرکت می‌کرد و با تمام جوانی، تفکری بزرگ و روشن داشت و در مراسم انقلابی مدرسه و شهر فعالیت چشمگیر داشت. وتعهد داشت که نمازهایش را با جماعت در مسجد بخواند.



سامانہ جامع سرداران و دونهر ششمیہ استان بوئسهر